

نویسندگان : میدیا بینامین (Medea Benjamin) و نیکولس جی اس دیویدس (Nicolas J.S. Devis)
منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «2021-03-25» .
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

ایالات متحده به «جهان در مورد افغانستان مبتنی بر قوانین» می پیوندد.

US joins 'rules based world' on Afghanistan

این یک نشانه از امیدواری است از اینکه «بایدن» و «بلیکنین» به مشروعیت دیپلماتیک در مورد افغانستان رو می آورند حتی یک بار در طول (20) سال از جنگ؛ آنها سرانجام متقاعد میشوند که دیپلماتیک را حل قضیه است

It is a sign of hope that Biden and Blinken are turning to legitimate, multilateral diplomacy in the case of Afghanistan, even if only because, after 20 years of war, they finally see diplomacy as a last resort.



اطفال افغانستان

جهان در (18) ماه مارچ ناظر برخورد نهایت شدید انتونی بلنکین وزیر امور خارجه ایالات متحده به ارتباط سخنانی او به مقامات ارشد «چین» در مورد نیاز آن کشور در ادای گذاشتن احترام به نظم مبتنی بر قوانین بودند که او هشدار داد؛ بدیل این جهان جهانی باید باشد که در آن همه چیز درست باشد نه دنیای که برای همه خشن تر و ناپایدارتر باشد .

«بلیکنین» به وضوح از تجربه صحبت می کرد (خنده اوراست از اینکه او فراموش کرده ...از مترجم) از آنجایی که ایالات متحده از منشور سازمان ملل و حاکمیت قوانین بین المللی برای حمله به کوزوو ، افغانستان و عراق انصراف داده و از نیروی نظامی و تحریم های یک جانبه اقتصادی علیه بسیاری از

کشورهای دیگر استفاده کرده است ، که با این نوع تحریم ها در واقع باعث مرگبارتر ، خشن تر و آشفته تر شدن جهان شده است .

هنگامی که شورای امنیت سازمان ملل متحد از دادن تجویز خود به تجاوزات ایالات متحده علیه عراق در سال « 2003 » خودداری کرد ، رئیس جمهور **بوش** علناً سازمان ملل را تهدید به "بی ربطی" کرد . وی بعداً « جان بولتون » را سفیر یا نماینده دائمی آمریکا « در سازمان ملل منصوب کرد ، شخصی معروف را که یک بار گفته بود که اگر ساختمان سازمان ملل در نیویورک "10" منزل را از دست می داد ، کمی تفاوت ایجاد نمی کرد ."

اما پس از دو دهه سیاست خارجی یک جانبه ایالات متحده که در آن ایالات متحده به طور سیستماتیک قوانین بین المللی را نادیده گرفته و آن را نقض کرده است ، مرگ ، خشونت و هرج و مرج گسترده ای را در پی آن برجای گذاشته است ، سیاست خارجی ایالات متحده ممکن است سرانجام حداقل در مورد افغانستان در حلقه کامل قرار گیرد .

وزیر خارجه ایالات متحده « بلنکین » گام قبلی غیر قابل تصویری را برداشته است و سازمان ملل را به رهبری مذاکرات برای آتش بس و انتقال سیاسی در افغانستان دعوت کرده و انحصار ایالات متحده را به عنوان تنها واسطه بین دولت کابل و طالبان کنار گذاشته است .

بنا بر این ، پس از « 20 » سال جنگ و بی قانونی ، آیا ایالات متحده سرانجام آماده است تا به "دستور مبتنی بر قوانین" فرصتی برای غلبه بر یکجانبه گرایی ایالات متحده بدهد و "ممکن است درست شود" ، به جای اینکه فقط از آن به عنوان یک لجن کلامی استفاده کند دشمنانش؟

به نظرمی رسد (**پایدن و بلینکن**) جنگ بی پایان آمریکا در افغانستان را به عنوان یک پرونده آزمایشی انتخاب کرده اند ، حتی در حالی که آنها در مقابل پیوستن به توافق هسته ای « اوپاما » با ایران مقاومت می کنند ، با حسادت از نقش آشکارا حزبی ایالات متحده به عنوان تنها واسطه بین اسرائیل و فلسطین محافظت می کنند ، تحریم ها ، و ادامه نقض سیستماتیک آمریکا در قوانین بین المللی علیه بسیاری از کشورهای دیگر .

در افغانستان چه می گذرد؟

در ماه فبروری سال « 2020 » دولت ترامپ توافق نامه ای را برای خروج کامل نیروهای آمریکایی و ناتو از افغانستان تا اول ماه مه « 2021 » با طالبان امضا کرد

. طالبان تا زمان امضای توافق نامه خروج آمریکا و ناتو از مذاکره با دولت مورد حمایت آمریکا در کابل امتناع کرده بودند ، اما پس از اتمام این امر ، طرف های افغان مذاکرات صلح را در مارس « 2020 » آغاز کردند . به جای موافقت با آتش بس کامل در جریان گفتگوها ، هماهنگی دولت ایالات متحده می خواست ، طالبان فقط با "کاهش خشونت" به مدت یک هفته موافقت کردند . یازده روز بعد ، در حالی که جنگ بین طالبان و دولت کابل ادامه داشت ، ایالات متحده به اشتباه ادعا کرد که طالبان توافق نامه ای را که با ایالات متحده امضا کرده بود نقض می کند و دوباره بمب گذاری خود را آغاز می کند .

علی رغم درگیری ها ، دولت کابل و طالبان موفق شدند تا تبادل زندانیان کنند و مذاکرات را در قطر ادامه دهند ، با میانجیگری فرستاده ایالات متحده **زلمی خلیل زاد** ، که در مورد توافق نامه خروج آمریکا با طالبان مذاکره کرده بود . اما مذاکرات به کندی پیشرفت کرد و به نظر می رسد اکنون به بن بست رسیده است .

آمدن بهار در افغانستان معمولاً با خود تشدید جنگ را به همراه دارد . بدون آتش بس جدید ، یک حمله بهاری احتمالاً منجر به دستاوردهای بیشتری برای طالبان می شود - که در حال حاضر حداقل نیمی از افغانستان را کنترل می کنند .

این چشم انداز ، همراه با مهلت خروج از اول ماه مه برای « 3500 » نیروی باقیمانده آمریکایی و « 7000 » نفر دیگر از نیروهای « ناتو » ، و دعوت « بلنکین » از سازمان ملل برای رهبری یک روند صلح بین المللی گسترده تر که شامل هند ، پاکستان و دشمنان سنتی ایالات متحده ، مثل چین ، روسیه و از همه قابل توجه تر ، ایران نیز میشود ؛ است .

این روند با کنفرانس افغانستان در مسکو در تاریخ (18 تا 19) مارس که در آن یک هیئت « 16 » نفره از دولت افغانستان مورد حمایت ایالات متحده در کابل و مذاکره کنندگان از طالبان به همراه نماینده ایالات متحده « خلیل زاد » و نمایندگان سایر کشورها حضور داشتند آغاز شد .

کنفرانس مسکو زمینه را برای یک کنفرانس بزرگتر به رهبری سازمان ملل فراهم کرد که در آوریل در استانبول برگزار می شود تا چارچوبی برای آتش بس ، انتقال سیاسی و توافق نامه تقسیم قدرت بین دولت مورد حمایت ایالات متحده و طالبان ترسیم شود .

دبیرکل سازمان ملل « آنتونیو گوترش » ژان آرنول (Jean Arnault) را به عنوان رهبر مذاکرات برای سازمان ملل منصوب کرد . آرنول قبلاً در مورد پایان دادن به جنگ داخلی گواتمالا در دهه « 1990 » و توافقنامه صلح بین دولت و (Revolutionary Armed Forces of Colombia) در کلمبیا مذاکره کرد و او دبیر بود - وی همچنان از کودتای « 2019 » تا زمان برگزاری انتخابات جدید در سال « 2020 » نماینده دبیرکل در بولیوی بود .

آرنول همچنین افغانستان را می شناسد ، از 2002 تا 2006 { در مأموریت کمک سازمان ملل در افغانستان خدمت کرده است .

اگر کنفرانس استانبول به توافقی بین دولت کابل و طالبان منجر شود ، نیروهای آمریکایی می توانند در ماه های آینده در خانه باشند .

ریس جمهور « ترامپ » دیرتر از آنچه که باید اتفاق می افتاد برای تحقق وعده خود مبنی بر پایان دادن به این جنگ بی پایان تلاش زیاد کرد که شایسته اعتبار برای آغاز خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان است اما یک خروج بدون روبراه کردن یک برنامه صلح جامع به پایان جنگ نمی انجا مید - روند صلح به رهبری سازمان ملل متحد با دید فرصتی بسیار بهتر برای آینده صلح آمیز به مردم افغانستان بدهد تا که با خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان دو طرف درگیر در جنگ به منازعه و این جنگ نقطه پایانی گذارند و از کلیه دستاوردها که زنان افغانستان در طول سالهای سپری شده بدست آورده آن دستاوردها را از دست ندهند .

هفته سال جنگ طول کشید تا ایالات متحده به میز مذاکره برسد و دو سال و نیم دیگر آماده بود که عقب نشینی کند و اجازه دهد سازمان ملل در مذاکرات صلح پیش قدم شود . در بیشتر این زمان ها ، ایالات متحده سعی کرد این توهم را حفظ کند که در نهایت می تواند طالبان را شکست دهد و در جنگ " پیروز شود " . اما اسناد داخلی ایالات متحده منتشر شده توسط ویکی لیکس و جریان گزارش ها و تحقیقات نشان داد که رهبران نظامی و سیاسی ایالات متحده مدت ها ست می دانند که نمی توانند در این جنگ پیروز شوند . به گفته ژنرال استنلی مک کریستال ، بهترین کاری که نیروهای آمریکایی می توانستند در افغانستان انجام دهند همانا " درهم و برهم " کردن بود که آن کشور صورت گرفت .

آنچه که این درهم و برهم در عمل معنی میدهد ، همانا ریختن دهها هزار بمب ، روز به روز ، سال به سال ، و انجام هزاران حمله شبانه بود که در بیشتر مواقع ، غیر نظامیان بی گناه را کشته ، معلول و یا به ناحق بازداشت می کرد .

تعداد کشته شدگان در افغانستان مشخص نیست بیشتر حملات هوایی و حملات شبانه ایالات متحده در مناطق کوهستانی و دورافتاده انجام می شود که مردم هیچ ارتباطی با دفتر حقوق بشر سازمان ملل در کابل ندارند که گزارشات مربوط به تلفات غیر نظامیان را بررسی می کند . ایالات متحده از نیروی نظامی و تحریم های اقتصادی برای از بین بردن ، منزوی کردن یا مجازات کردن لیستی از کشورهای جهان که در حال رشد است ، استفاده کرده است ، اما دیگر قدرت شکست دادن آنها را ندارد .

ثبات و ادغام مجدد این کشورها در امپراتوری نو استعماری خود، همانطور که پس از جنگ جهانی دوم در اوج قدرت خود انجام داد

فیونا فرازر، رئیس حقوق بشر سازمان ملل در افغانستان، در سال «2019» به بی بی سی اعتراف کرد که «... غیرنظامیان بیشتر از هر جای دیگر کره زمین در افغانستان به دلیل درگیری مسلحانه کشته یا زخمی شده اند. ارقام منتشر شده تقریباً منعکس کننده مقیاس واقعی از آسیب نیستند.»

از زمان حمله آمریکا در سال «2001»، هیچ مطالعه جدی در مورد مرگ و میر انجام نشده است. شروع یک حسابداری کامل برای هزینه های انسانی این جنگ با دید بخشی جدا بی ناپذیر از وظیفه نماینده سازمان ملل آرنو باشد، و اگر ما نند کمیسیون حقیقت او نظارت کرد، تعجب نخواهیم کرد. در **گواتیمالا**، این تعداد تلفات را نشان می دهد که ده یا بیست برابر آنچه به ما گفته شده است.

اگر ابتکار دیپلماتیک «**پلنکین**» موفق شود این چرخه مرگبار «درهم ریختگی» را بشکند و حتی صلح نسبی را در افغانستان به وجود آورد، این یک سابقه و یک جایگزین مثال زدنی برای خشونت به ظاهر بی پایان و هرج و مرج جنگ های آمریکا پس از یا زده سپتامبر در سایر جنگ های کشورها ایجاد خواهد شد. ایالات متحده از نیروی نظامی و تحریم های اقتصادی برای از بین بردن، منزوی کردن یا مجازات کردن لیستی از کشورهای جهان که در حال رشد است، استفاده کرده است، اما دیگر قدرت شکست، ثبات مجدد و ادغام این کشورها را در امپراتوری نو استعماری خود را ندارد، این کار در اوج قدرت خود پس از جنگ جهانی دوم انجام داد. شکست آمریکا در ویتنام یک نقطه عطف تاریخی بود: پایان دوره امپراتوری های نظامی غرب.

تمام آنچه که ایالات متحده می تواند در کشورهایهایی که امروز اشغال کرده یا در محاصره آن است به دست آورد، ننگ داشتن آنها در حالت های مختلف فقر، خشونت و هرج و مرج است - تکه های خرد شده امپراتوری در جهان قرن بیست و یکم.

قدرت نظامی و تحریم های اقتصادی ایالات متحده می تواند به طور موقت مانع از بازیابی کامل حاکمیت کشورهای بمباران شده یا فقیر شده یا بهره مندی از پروژه های توسعه ای تحت هدایت «چین» مانند طرح کمربند و جاده شود، اما رهبران آمریکا هیچ مدل توسعه جایگزینی برای ارائه آنها ندارند.

مردم ایران، کوبا، کره شمالی و ونزوئلا فقط باید به افغانستان، عراق، هائیتی، لیبی یا سومالی نگاه کنند تا ببینند لوله انتقال گره تغییر رژیم آمریکایی آنها را به کجا خواهد برد.

این ها برای چیست؟

بشریت در این قرن با چالش های جدی روبرو است، از انقراض گسترده جهان طبیعی تا نابودی آب و هوای تأیید کننده زندگی که زمینه حیاتی تاریخ بشر بوده است، در حالی که ابرهای قارچ هسته ای هنوز همه ما را با نابودی پایان یافته تمدن تهدید می کند.

این نشانه امیدواری است که **(بایدن و بلینکن)** در مورد افغانستان به دیپلماسی چند جانبه مشروع روی می آورند، حتی اگر فقط به این دلیل باشد که پس از 20 سال جنگ، آنها در نهایت دیپلماسی را آخرین چاره می دانند.

اما صلح، دیپلماسی و حقوق بین الملل نباید آخرین چاره باشد که فقط در صورت محاکمه دموکرات ها و جمهوری خواهان مجبور می شوند بپذیرند که هیچ نوع جدیدی از زور و زور عملی نخواهد شد. و همچنین آنها نباید راهی بد بینانه برای رهبران آمریکا بی باشند تا بتوانند دستان خود را از یک مشکل خا ر شسته و آن را به عنوان یک لیوان مسموم برای نوشیدن دیگران ارائه دهند.

اگر «**بلینکن**»، وزیر امور خارجه، روند صلح را آغاز کرد و سرانجام نیروهای آمریکایی به خانه بازگشتند، آمریکا بی نهایت افغانستان را در ماه ها و سال های آینده فراموش کنند. ما باید به آنچه در آنجا اتفاق می افتد توجه کنیم و از آن یاد بگیریم. و ما باید از کمکهای سخاوتمندانه ایالات متحده در کمکهای بشر دوستانه و انکشافی که مردم افغانستان برای سالهای زیادی به آن نیاز خواهند داشت حمایت کنیم.

این است که چگونه "سیستم مبتنی بر قوانین" بین المللی، که رهبران ایالات متحده دوست دارند در مورد آن صحبت کنند اما به طور روزمره آن را نقض می کنند، کار خواهد کرد، سازمان ملل متحد مسئولیت خود را در زمینه صلح و کشور های جداگانه برای حمایت از آن بر اختلافات خود غلبه کند. شاید همکار ی در مورد افغانستان بتواند اولین گام در جهت همکاری گسترده ایالات متحده با «چین» ، روسیه و ایران باشد که اگر بخواهیم چالش های مشترک جدی را که همه ما با آن روبرو هستیم حل کنیم، ضروری خواهد بود.

چند سطر در مورد نویسندگان:



مدیا بنیامین، بنیانگذار *Global Exchange* و *CODEPINK: Women for Peace*، نویسنده کتاب 2018، "درون ایران: تاریخ واقعی و سیاست جمهوری اسلامی ایران" است. کتاب های قبلی وی عبارتند از: "پادشاهی ناعادلان: پشت اتصال ایالات متحده و عربستان" (2016)؛ "Drone" (2013)؛ "Warfare: Killing by Remote Control"؛ "از گرینگو نترس: یک زن هندوراسی از قلب صحبت می کند" (1989)، و (با جودی ایوانز) "جنگ بعدی را اکنون متوقف کن (راهنمای اقدام داخلی اقیانوس)" (2005) "او را در توئیتر دنبال کنید *medeabenjamin*:"



نیکولاس جی اس دیویس نویسنده کتاب "خون بر دستان ما: حمله آمریکا و نابودی عراق" است (2010) او همچنین فصل های "اوباما در جنگ" را در "Grading the 44th President: a Report Report on the First President Barak Obama as a Lead progressive" (2012) نوشت.

----- **با تقدیم سلام ها «2021-03-30»**